

آقای شهرام همایون و کنگره سکولارها!

امیر فیض- حقوقدان

در برنامه تلویزیونی آقای شهرام همایون نکاتی در رابطه با کنگره سکولارها مطرح شد که میتواند بحث و نقد پذیر باشد.

انشاء خوب بیانیه کنگره سکولارها

فصل مشابهی از اظهارات آقای همایون متوجه تمجید و تجلیل از انشای بیانیه کنگره بود و آنرا بهترین انشاء معرفی کردند

خوب و بد بودن متون و یا تشریح روایات و یا ظرافت تحریرات، امری نسبی است. انشاء سبک است و سبک هم بامعیارهای ثابتی همراه نیست مانند هنر است برخی سبکی رامیپسندند و برخی خیر.

هر که تالیفی بهر عنوان کند ذوق خود را در ترازو مینهد

در ترازوی پسند مشتری بیگمان شاهین گهی سرمیزند

و اما در مسائل فنی، حقوقی و سیاسی ماهیت و محتوا مهم است نه انشاء. انشاء در زمینه های تبلیغاتی گردش دارد. موضوعات سیاسی در زمینه های اعتقادی، موضوعات حقوقی در زمینه های قانونی و موضوعات فنی در قانمه فورمول های ثابت شده و برعکس آنها، انشاء در جهت قانمه لفظ و کلام چرخش دارد که حدی بر آن متصور نیست.

با این مختصر این اجازه فراهم است که کار تلویزیون آقای شهرام همایون کار سیاسی است نه معلمی و داوری در انشاء نویسی. مردم عادی انشای خوب را فارغ از محتوا و معنای نادرست نمیدانند و تجلیل از انشاء تاثیر گذار بر محتوای نوشته است، که این کار و هنر تبلیغاتی شناخته میشود نه کار سیاسی.

یک نمونه در اینجا ارائه شدنی است

فرانسوا ولتر نویسنده و محقق و فیلسوف و شاعر معروف فرانسوی که رقیبی در جهان نداشته است عقیده داشت که <از خرافات فکری بشر یکی این است که بکارت دختر جزء فضائل است>

آیا نوشته خوب و ممتاز ولتر کافی است که باور میلیونها مسلمان و بودایی های جهان و یهودیان و بخش عظیمی از مسیحیان را تغییر دهد؟ البته که خیر، پس همینطور است را بطنه انشاء خوب با سکولاریسم که در فرهنگ ایرانی و اسلامی بی دینی شناخته میشود.

شخص آقای نوری علاوه هم به عدم کارائی سکولاریسم آگاه و معتقد بوده چنانکه در بیست و سوم آذرماه سال ۵۷ در تجلیل و تمجید و دفاع از خمینی در مقابل مخالفان خمینی نوشت:

>..... رهبری مردم شیعه ایران باید از آن کسی باشد که امام کفن پوش کربلا رادربیش روی دارد جزاین هر رهبری حتی در اوج محبوبیت یکشبه در بایگانی مطول ما مدفون خواهد شد<

یعنی سکولاریسم و بی خدائی، جایی در بین مردم ما ندارد و هر رهبری حتی در اوج محبوبیت اگر شیعه امام حسینی نباشد یک شبه در بایگانی مطول ملت ایران مدفون خواهد شد.

حالا یک چنین شخصی پیشگام سکولار شده، چندان مهم نیست چند سالی که بگذرد یک چیز دیگری خواهد شد، میگویند گل آفتاب گردان بهر طرف که تابش آفتاب باشد رومیکند.

ایراد به استفاده از نام کنگره

استفاده از عنوان کنگره از این جهت مورد ایراد آقای همایون قرار گرفت که کنگره بصورت حزب فعالیت نمیکند (طبق بیانیه) و کنگره از بغل حزب بوجود میآید.



کنگره، به نشستی از نمایندگان کشورها و یا ایالات کسورهای که بصورت متحده اداره میشوند گفته میشود که در موضوعات مختلف مانند اقتصادی و یا حتی مذهبی و غیره تصمیماتی اتخاذ میکنند که مشوق دولتها در اجرای آن باشد.

پس شرط اصالت تشکیل یک کنگره حضور نمایندگان کشورها و یا ایالات متحده است و ایجاب این شرط اولاً وجود شخصیت حقوقی و قانونی برای حاضرین در کنگره است تا احراز شود که حاضرین دارای نمایندگی از دولت و یا ایالت متبوع خود میباشند و چنانکه ملاحظه میشود این شرط لازم در کنگره سکولارها وجود ندارد.

اگر چنین نشستی در یک کشور و یا در جهان، از تابعین یک کشور و یا کشورهای گوناگون تشکیل شود اگر منحصر به اهالی یک کشور باشد نشست ملی و اگر بامشارکت افراد کشورهای مختلف باشد میشود نشست و یا اجلاس عمومی، نه حتی بین المللی، و اگر آن نشستها بموجب قانون مقرر و پیش بینی شده باشد مجلس مشاوره و یا مجلس شورایی نامیده میشود نه کنگره.

علت انتخاب عنوان کنگره این است که برخی تصور میکنند که نام بزرگ و باطمینان علامت محتوای بزرگ و اصل است و این تصور آنها چندان هم بی مورد نیست زیرا مردم با ظاهر است که جذب میشوند، و جذب از طریق ماهیت راهی دشوار و نیاز به تفکر و تعاطی افکار و امثال آنهاست، که عامه را بر آن عادت نیست.

آقای نوری علاوه بر آن کسانی است که خیلی بیش از دیگران به نام و عنوان اهمیت میدهند و معلوم است که عنوان کنگره خیلی بیشتر از سازمان و گروه و جمعیت گیرائی دارد خاصه که در آمریکا هم این واژه کنگره آشنای عموم و علامتی بزرگ شناخته میشود.

اولین فعالیت سازمانی آقای نوری علاوه بر تاریخ ۱۹ دیماه ۱۳۸۹ بود که با عنوان شبکه سبز سکولارهای ایران< شروع به فعالیت کرد و در یک نشست سه روزه در کانادا خود را معرفی نمود.

بلافاصله بعد از نشست یکباره مانند قارچی که پارعد و برق از زمین سرمیکشد نام "شبکه سبز سکولاهای ایران" به حپایگاه رسمی شبکه جهانی سکولارهای سبز برای دموکراسی و آزادی ایران تبدیل شد.

سخت باور است که کسی بتواند نامی سنگین تروپرطمطراق تراز نام مزبور انتخاب کند.

در تعقیب این نامسازی واغوا گری ها از طریق نامهای پرطمطراق تحریری تحت عنوان اغوای سیاسی بتاريخ ۱۹ مه ۲۰۱۱ در سایت ۱۴۰۰ سال منشر شد که نشان میدهد از عناوین رسمی وجهانی تاچه حد سوء استفاده برای اغوای مردم شده است^۱

در همین بیانیه سکولارها که مورد مختصر نقد آقای شهرام همایون قرار گرفته نام بیانیه گذاشته شده؛ حپیمان نامه عصر نو، آیا بیانیه، پیمان تلقی میشود؟ البته که خیر. آیا عصر که عنوان متعلق به تقسیمات یک دوره از تاریخ تمدن است، در این سوء استفاده از عناوین میتواند جای معقولی داشته باشد؟ مقصود از نو بودن چیست؟ و عصر کهنه کدام است؟ اگر گفته شود که عصر نو بمناسبت تولد سکولاریسم است که سکولاریسم تولدی نو بشمار میرود و اسناد حکایت دارد که سکولاریسم برای اولین بار بعد از شورش ۱۵۷۷ از سوی مجاهدین خلق در ردیف خواست سیاسی آنها قرار گرفته است.

مقصود تانید برداشت آقای همایون است که آقای نوری علا اشتهای خاصی به اختراع لغات دارد بدون اینکه آن واژه‌های اختراعی ایشان بامفاهیم واقعی همراه باشد.

سکولار و آقای شهرام همایون

این تحریر فرصت نامناسب دانسته و خواستار مختصر توجه آقای شهرام همایون به مطلب زیر میباشد.

اول - البته که در اصل دوم متمم قانون اساسی وصلتی بین مذهب و قوه مقننه وجود دارد ولی سوال اینجاست؛ آیا در تمام عمر مشروطیت بغیر از یکسال، قوه مقننه، قوه قضائیه - آموزش و پرورش سکولار نبود؟ قوانین موضوعه مدنی، جزائی و تجارت سکولار نبود؟ دادگاه ها قوانین مدون را اجرا میکردند و یا قوانین شرعی را؟ حتی یک مورد را نمیتوان ارانه داد که اثری از مداخله دین و مذهب در حکومت و کشورداری بوده باشد.

اگر قبول دارید که در دوران مشروطیت خاصه در سلطنت پهلوی ها، مذهب و دین در حکومت دخالتی نداشت و در عین عدم مداخله، مردم در دین و مذهبشان آزاد بودند و پیروان مذاهب باهم در انس و سازگاری میزیستند، چرا نباید تداوم اجرائی قانون اساسی و متمم آن فلسفه مبارزه قرار گیرد؟ درست است که حضرتعالی ما هستیم را حمایت میکند ولی ما هستیم یک شعار اخلاقی و باهم بودن است ولی فلسفه مبارزه و پیوند اعتقادی نیست، حرکت های سیاسی و اجتماعی باید که از فلسفه ای که متکی به نص و قانون و سنت باشد نیرو بگیرد، آیا فکر نمیکنید که تداوم اجرائی قانون اساسی میتواند فلسفه ما هستیم قرار گیرد؟ فلسفه ای که از دستاورهای اقتصادی و پیشرفت و مدرنیته و تامین حیثیت و شرافت ملی برای ایرانیان و کشور در حدی عالی برخوردار بود؟

ذی‌حضرتعالی باوردارید که شعارهای لامذهبی و خداناباوری و امثال آنها با استقبال ایرانیان روبرو شود؟ آیا ما با این بیانیه‌ها که مردم ایران از آن وحشت دارند میتوانیم از کمک و حمایت ایرانیان برای نجات کشور بهره مند شویم؟ اگر خیر به مصداق «به ره پویان امید خیردارم» ایران، خواستار حمایت از حقانیت تداوم اجرائی قانون اساسی و متمم آن است، به این خواست ملی و میهنی کمک و حمایت کنید.

دوم – اظهارات حضرتعالی درباره شورای به اصطلاح ملی! و ختم آن به اینکه «بالاخره شاهزاده یک پدیده است چکارش کنیم سمش بدهیم» سخن مناسبی که از شما شنیده شود نیست، نمیخواهم با سکوت خود خیرخواهی لازم از شما دریغ شده باشد.